

مردی 6 ماه بعد از قتل با عذاب وجدان افشاگری کرد

مرد جوان که برادرش را به خاطر بدخلقی با همسرش کشته و شش ماه راز جنایت را پنهان نگه داشته بود پای میز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد.

این مرد جسد را به روستای محل تولدش برده و با دروغگویی در غسلخانه غسل داده و دفن کرده بود. اما شش ماه بعد با پای خودش به پلیس آگاهی رفته و برای رهایی از عذاب وجدان به قتل اعتراف کرده بود.

عذاب وجدان

رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۱۴۰۰ به دنبال اظهارات تکان دهنده مرد ۵۰ ساله‌ای به نام ایرج آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود از جنایتی که ۶ ماه قبل رقم زده بود پرده برداشت تا عذاب وجدان رهایش کند.

این مرد گفت: من 6 ماه قبل برادر کوچکم سهراب را کشتم. اما در این مدت آرام و قرار نداشتم و عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد به همین خاطر آمده‌ام تا اعتراف کنم.

وی در تشریح قتل برادرش گفت: برادر 44 ساله‌ام مرد بد اخلاقی بود و همیشه با همسر و 2 دخترش بدخلقی می‌کرد. زن برادرم چند بار از من کمک خواسته و می‌گفت برادرم را نصیحت کنم تا دست از بدرفتاری بردارد اما گوش سهراب بدهکار نبود و به حرفهای من اهمیتی نمی‌داد. آخرین بار وقتی به خانه آنها رفته بودم تا با سهراب صحبت کنم او عصبانی شد و دعوا میان ما بالا گرفت. او می‌گفت این موضوع خانوادگی است و ارتباطی به من ندارد. سهراب در اوج خشم به سمت من حمله‌ور شد و همسرش که شاهد ماجرا بود میله‌ای را از روی زمین برداشت و به سمت برادرم پرتاب کرد. میله به سر برادرم برخورد کرد.

سهراب که عصبانی شده بود می‌خواست همسرش را کتک بزند که مانع او شدم. من دستانم را دور گردن سهراب حلقه کردم تا بیهوش شد. سپس دهانش را با چسب بستم که جان سپرد. چون مادرم و همسر برادرم می‌دانستند من قصد کشتن برادرم را نداشتم سکوت کردند تا راز قتل پنهان باقی بماند.

وی ادامه داد: من جسد برادرم را در صندوق عقب ماشین گذاشتم و با مادر و زن برادرم آن را به یکی از روستاهای غرب تهران که محل

تولد من بود بردیم. من با کمک اهالی روستا جسد برادرم را در غسلخانه غسل دادیم و دفن کردیم. من به دروغ به اهالی روستا گفتم برادرم تصادف کرده است. بعد از این ماجرا در این مدت عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد به همین خاطر تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم.

نبش قبر برای افشای حقیقت

به دنبال اعترافات این مرد و برای بررسی صحت ادعای وی دستور نبش قبر صادر شد و پزشکی قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرد. ایرج در ادامه گفت: باور کنید من قصد کشتن برادرم را نداشتم. من به خانه آنها رفته بودم تا او را نصیحت کنم. می‌خواستم آنها زندگی بهتری داشته باشند اما او یکباره عصبانی شد و به سمت من حمله کرد. من پشیمان هستم و حاضرم دیه برادرم را به فرزندان صغیر او بپردازم.

همسر قربانی نیز گفت: برادرشوهرم برای وساطت به خانه‌مان آمده بود اما شوهرم به سمت او حمله کرد. من که ترسیده بودم میله‌ای را به سمت شوهرم پرتاب کردم اما میله ناخواسته با سر او برخورد کرد. همان موقع شوهرم که عصبانی بود به سمت من حمله ور شد. او می‌خواست مرا بزند که برادرشوهرم مانع او شد.

به این ترتیب برای ایرج به اتهام قتل و برای همسر قربانی به اتهام ضربه‌های غیرمنتهی به قتل کیفرخواست صادر و پرونده‌شان به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

اعلام گذشت اولیای دم

در این میان مادر ایرج اعلام گذشت کرد و رئیس قوه قضائیه نیز پس از بررسی پرونده، از طرف 2 فرزند صغیر قربانی درخواست دیه را مطرح کرد.

با گذشت اولیای دم دو متهم از جنبه عمومی جرم و طبق ماده 612 قانون مجازات اسلامی از خود دفاع کردند.

ایرج وقتی روبه روی قضات ایستاد، گفت: نمی‌خواستم برادرم را به قتل برسانم رفتار بدی با من و همسرش داشت. با او درگیر شدم وقتی دیدم از دهان برادرم خون جاری شده چسبی را دور دهانش پیچیدم تا خون روی زمین نریزد. اما باور کنید چسب را به آرامی دور دهان برادرم پیچیده بودم و هرگز فکر نمی‌کردم این کار موجب خفگی برادرم شود.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: من واقعاً از مرگ برادرم ناراحت و پشیمان هستم و به همین خاطر هم بعد از 6 ماه خودم را به پلیس معرفی کردم. شاید اگر حقیقت را نگفته بودم هنوز

هم راز این قتل فاش نشده بود.
سپس همسر قربانی که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه ویژه
ایستاد و گفت: شوهرم مرد بد اخلاقی بود و به هر بهانه‌ای مرا کتک
مزد.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.